

در دفاع از قربانیان هالوکاست جهانی را بر سرشان خراب کنیم!

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - خط رسمی

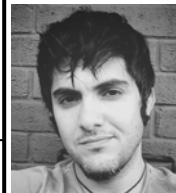
های غربی را نشانه گرفته است. قربانی کوچک فراری هالوکاستی که چند سال است در جریان است، تنها یکی از هزاران هزار انسانی است که سالهاست در راه گریز از جنگ و ناامنی و رساندن خود به نقطه ای امن، به کام مرگ کشیده میشوند. ... صفحه ۳

این تراژدی همراه خود به موجی از احساسات بشردوستانه و حمایتی در سراسر جهان، و بخصوص در کشورهای غربی، دامن زد. احساساتی که خشم و نفرت از نقش و بی مسئولیتی قدرت های حاکم، کینه و انزجار از بی عدالتی، مستقیماً دولت

تصویر جثه کوچک کودک سه ساله سوریه ای که در مسیر فرار از جنگ و ناامنی، امواج دریا جسم مرده آن را به ساحل انداخت، قلب بشریت در سراسر جهان را چنان در چنگال خود فشرد که جهانی را به گریستن انداخت.

مسئله واقعا بیخ دارد!

فواد عبداللہی



سرانجام خامنه ای طی نامه ای به روحانی سیاستهای برنامه ششم توسعه را ابلاغ کرد. کل چهارچوب این سیاست بر شعار "اقتصاد مقاومتی" بنا شده و بر "ضرورت" به اجرا گذاشتن آن تاکید دارد.

این "اقتصاد مقاومتی" که هر از گاهی جامعه را با آن سورپرایز میکنند و میلرزاند به زبان آدمیزاد یعنی "تلاش" برای پاسخ دادن به بحران وخیم اقتصادی که سرتاپای جامعه را در بر گرفته است و جوابی برای آن ندارند. معلوم شد که توافقات با عموسام، نه قرار است اقتصاد جر خورده جمهوری اسلامی را نجات دهد و نه قرار است شعاع "گشایش سیاسی" بورژوازی ایران را از حزب دلچک "اتحاد ملت ایران" با سرکردگی شکوری رادها و جلالی پورها و خیل اصلاح طلبان حکومتی آنطرف تر بکشد. طولی نکشید که معلوم شد این توافقات برای جمهوری اسلامی چه در سطح منطقه و چه در داخل، هدفی جز توجیه شکست ایدئولوژیک اش در برابر جامعه ای که هیچگاه به اسلام تن نداد و تبدیل کردن این هزیمت به صلحی آبرومندانه و "پیروزی ملی" برای کل بورژوازی ایران از طریق دیپلماتیک و مهتر از آن در بوق کردن "گشایش اقتصادی" و دامن زدن به فضای صبر و انتظار در داخل در مقابل پاسخگویی به توقعات فزاینده طبقه کارگر و مردم محروم، در بر ندارد.

ایدئولوژی ای که قرار بود بنیاد فکری حکومت اسلامی شود امروز حتی در میان بنیانگزاران حکومت اسلامی هم بزحمت صاحب پیدا میکند. تلاش لایه ها و جناحها و شخصیتهای حکومت اسلامی و حامیانش در اپوزیسیون برای بدست دادن تعبیرات "مدرن" و "متمدن" قابل تحمل تر از این ایدئولوژی و به طبع آن حکومت اسلامی، دیر زمانی است با شکست مواجه شده است.

پس از توافقات، چشمک سازش با غرب و مقداری نمک ناسیونالیستی به آش جمهوری اسلامی، طعم مناسب روز را داد. از لیبرالها، بوروکراتها، سلطنت طلبها، تا توده - اکثریتی ها، جبهه ملی ها، چپهای مدل روسی هر یک به نحوی به خدمت گرفته شدند؛ شیره تمام شأن مکیده شد و تفاله شان بیرون ریخته شد. ... صفحه ۲

در پایان یک ضیافت!

مصطفی اسدپور



انتشار عملکرد دو ساله دولت روحانی در میان البت سیاسی و اقتصادی ایران با "احسنت" از هر سو همراهی شد. روحانی محور اساسی سیاست دولت خود را آرامش و ثبات در عرصه های اجتماعی و اقتصادی عنوان کرد. او به موفقیت های خود در این زمینه بالید. در تجلیل از وی دو مؤلفه دیگر را نباید از قلم انداخت.

اول اینکه روحانی پوپولیست نیست. دوم اینکه روحانی اهل

عمل است و به همه وعده های خود عمل کرده است. نیش تا بناگوش باز بورژوازی ایران از فرط رضایت خاطر از دولت روحانی کاملاً هویداست. خصوصاً اینکه بقول یکی از اساتید دانشگاه اسلامی، دست و دهان این دولت بر خلاف پیشینیان "پاک" است. یک هنرپیشه سینما

لب کلام را بدینگونه خلاصه کرد: روحانی مچکریم!

همه ستایش از دولت روحانی کاملاً به جا است. بورژوازی ایران بیش از هر وقت دیگر به دولت دلخواه خود نزدیک شده است. برای آنها این دولت یک دولت تکنوکرات و دور اندیش است. سرعت خیره کننده خصوصی سازیها، تغییرات ساختاری در رفع مسئولیت دولت در صندوق تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی، رشد قارچ وار مناطق ویژه صنعتی، همکاری با ارگانهای بین المللی نمونه آرزوهای تحقق یافته بورژوازی ایران است. این دولت قانون گرا است. .. صفحه ۳

بازار مکاره سرمایه و راه حل طبقه کارگر!

امان کفا



اخیراً بار دیگر بحث بی کیفیتی کار، عدم تولیدات مرغوب داخلی و نیاز به همطراز کردن اجناس داخلی، داغ شده است. رجوع دوباره به بحث واردات ارزان و مقابله با کالاهای وارداتی، در فضای امروز ایران با در نظر گرفتن دامنه این بحث ها، ضروری است. نکات زیر از جمله تاکیداتی هستند که کارگر

کمونیست در ایران باید مد نظر داشته باشد:
۱- اینکه کل پروسه مذاکرات هسته ای در چه زمانی و در چه شرایطی متحقق می شود یا نمی

شود، و یا این مهم که دولت جمهوری اسلامی امروز در محصنه و بن بست قرار دارد، تغییری در بازار مکاره تبلیغاتی سرمایه و تصویری که به جامعه پمپاژ میکنند، نمی دهد.

به هر حال تصویر رفع تحریم ها و آزادسازی بلیونها دلار سپرده شده در خارج از کشور، جمهوری اسلامی را به موقعیتی یکی از خریداران حی و حاضر در بازار جهانی پرتاب کرده است. ... صفحه ۴

مسئله واقعا بیخ دارد ...

جمهوری اسلامی برخاسته، خوب خود را در مهلکه انداخته است. حالا میشود نشان داد که چگونه برای به گور سپردن جمهوری اسلامی لازم است از ناسیونالیسم و الگوهای متفاوت اقتصادی اش هم عبور کرد.

توافقات هسته ای هرچه بود اما تنها "راه نجات ملی" بورژوازی ایران و دولت آن بود. اکنون پایان توافقات ناگزیر توقعات فروکوفته و طلبکاری عمومی در برابر رژیم را به میدان آورده است. وخامت اوضاع اقتصادی بر کسی پوشیده نیست. دورنمای "گشایش" هم ظاهرا که روشن نیست. تقاضا برای تغییر و رفع فشارهای اقتصادی از همه سو شروع به جوشیدن کرده است. اشکال قبلی کنترل و سرکوب به تنهایی قادر به پاسخگویی به این اعتراضات نیستند. باید به اشکال ایدئولوژیک سیاسی دیگری مجهز شد. پناه آوردن به ناسیونالیسم و "الگوی اقتصاد مقاومتی" یگانه محصول توافقات است و تنها "مفری" است که صفوف حکومت پیش روی خود یافته است.

با وصف تمامی اینها، پاسخ به اوضاع اقتصادی جامعه به شدت سیاسی و در عین حال منطقه ای است. هر برنامه و طرحی پیش از آنکه یک جهت گیری اقتصادی جلوی بورژوازی و دولت غرق در فساد و فلج اقتصادی باشد، حربه ای است که قرار است با هر نیرویی که "اقتدار" دولت و طبقه حاکمه در ایران را به چالش کشد برخورد کند. خامنه ای مستقیما انگشت اش را به سمت خطر عروج مطالبات رفاهی طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه نشانه گرفته است. به سمت میلیونها زن و جوانی که نه فقط شغل میخواهند که به بیکاری، تبعیض، آپارتاید جنسی، و نا امنی تنیده شده در تار و پود

بعلاوه اوضاع سیاه خاورمیانه و موش دوانی دول مرتجع منطقه در صفوف رژیم و جناح های بورژوازی ایران به این ناسیونالیسم حقانیت دوچندان داد. از مکلا و معمم تا کرواتی و عمامه بسر، از تریبون مجلس تا کمپین های متعدد طرفداران رژیم تحت عنوان "حمایت از توافقات هسته ای و صلح" در خارج کشور، درباره توفیقات دولت اعتدال ریسه رفتند. یک شو بی سابقه از حضور ناسیونالیسم و سایه روشن های گوناگون آن بود. یکی از آن لحظات کم نظیر تاریخ که دیگ جامعه را هم میزنند و هر آنچه در اعماق پنهان بود را بالا می آورند تا همه ما آنرا ببینیم. ایرانی گری و "افتخار ایرانیان" باید چنان هیاهو کند تا کارگر و جوان و زن ایرانی چند صباحی هم که شده تحت تاثیر مخدر "افتخار ایرانی"، خفه شده متوجه نشود چه کلاه گشاد سیاسی و اجتماعی دارد بواسطه همین توافقات سرش میرود. اینهمه رفت و آمد و تبلیغات و نشست و برخاست و عکس یادگاری و تبریک و تشکر و "وای جان و جواد، وای جان و جواد" کردن های خبرنگاران و خبرترشان بی بی سی برای همین بود.

اما این ناسیونالیسم مرده به دنیا آمد. به این دلیل که در دوره ما بطور کلی آن ناسیونالیسم معینی که بخش عظیمی از بورژوازی ایران در دامش پرورش یافته، ارتجاعی و سترونی است. امر و افقی برای بهبود وضع بشریت ندارد. منفعت آن در حفظ وضع موجود است. بدتر از همه بند نافش به جمهوری اسلامی و جنبش ملی اسلامی بسته است. اگر ناسیونالیسم و ایرانی گری چنین آشکارا به دفاع از اسلام و

رفاه

(بخشی از منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران)

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist>

[Manshour.html](http://hekmatist.com/2015/Hekmatist)

- رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که بسرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.

- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران

- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم

- برقرار فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)

- تعطیلی دو روز متوالی در هفته

- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال

- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال

- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سالی که فاقد حقوق بازنشستگی هستند

- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارایه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی

- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.

- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و...) برابر با مزد متوسط کارگر.

- در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

"الگو" های سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی اعتراض دارند و در یک کلام در جستجوی یک دنیای بهتر اند. به این اعتبار، شعار "اقتصاد مقاومتی" اعلام شرایط جنگی علیه کارگران و مردم محروم جامعه ایران است؛ طرح و پلاتفرم نجات جمهوری اسلامی از بن بست اقتصادی است؛ هراس از قد علم کردن طبقه کارگر علیه دولت و سرمایه است. اینجاست که مسئله واقعا بیخ دارد.

اما همه اینها به جای خود، تحولات چندساله اخیر ایران به سمتی رفته است که به میدان آمدن طبقه کارگر متحذب و متشکل را می طلبد. جامعه ایران به یک خانه تکانی اساسی دست زده است. سالهاست که آزادی، برابری، پایان دادن به ستمکشی زن، استثمار کارگر، بیکاری، فلاکت، استبداد، لیبرالیسم، دموکراسی، کمونیسم و ... به بحث هر محله، کارخانه، دانشگاه، جمع و محفل و خانواده ای تبدیل شده است. کمتر کسی است که در اعتصابی، حرکتی، تحصنی و درگیری و کشمکشی شرکت نداشته یا شاهد آن نبوده باشد.

هر فردی در این سالها بارها و بارها در قبال حوادث گوناگون، خود را در بحثهای سیاسی داغ درباره این و آن وجه حکومت، این و آن نیروی سیاسی اپوزیسیون یافته است. تا کنون از این تحولات دو نتیجه مهم بدست آمده است:

اول اینکه توهمی به جمهوری اسلامی باقی نمانده و باید برود. تردیدی نیست که بورژوازی ایران و دولت اش پاسخ اقتصادی و سیاسی به اوضاع را ندارند. اینها با پروسه سریع تمکین به سیاستهای عمومی غرب و آرام گرفتن در یک هیرارشی جهانی و منطقه ای امکان بقای خود را جستجو میکنند. دست اینها در مقابل

اکثریت مردم محروم ایران خالی تر از خالی است و در صحنه ماندنشان تنها مدیون ساکت نگه داشتن مردم از لحاظ سیاسی و فلج کردن طبقه کارگر از لحاظ اقتصادی است.

دوم، و در همین رابطه، اینکه اپوزیسیون طرفدار رژیم، طیف وسیع کهنه پاسدارها و تازه مهندس و دکتر شده ها، ملیون و مصدقین و توده ای اکثریتی ها که دیروز زیر بیرق دوم خرداد و امروز حول پرچم دولت اعتدال متحد شده اند، باید جوابگو باشند و حساب پس دهند. اینها لشکر بی جیره مواجب رژیم و دوستان گرمابه گلستان اش برای به سکوت

کشاندن مردم اند. اینها در کشمکش کارگران علیه سرمایه دار و دولت، در نزاع زنان برای رهایی، و در دعوای عظیم جامعه ایران برای تغییر اوضاع کنار جمهوری اسلامی ایستاده اند و شامل حکم "باید بروند" شده اند. برای مقابله با جمهوری اسلامی و پادوهای آن، مداخله مستقیم کمونیست ها و طبقه کارگر ایران حول مطالبات رفاهی و یک برنامه رادیکال می تواند تضمینی برای از میان بدر کردن اینها و خاتمه دادن به اوضاع وخیم اقتصادی امروز و قربانی کردن آزادی در ایران بشود. فرصتی است که نباید آن را از دست داد.

اطلاهیة تشکیلات خارج ...

او تنها یکی از هزاران هزار نفری است که در دریاها و اقیانوس ها، در جاده ها و لابلای محموله کامیون ها، و یا زیر سیم خاردارها و مشت و لگد ماموران مرزی، به قتل میرسند. با این وجود، تصویر جثه کوچک و بی جان او بر شنهای ساحل، شیپور "دیگر بس است" را در سراسر اروپا و در منازل مردم، به صدا درآورد! معلوم شد که هرچند بر صدر "جهان متمدن" مشتکی اوباش مسلح و متمول کراوت زده امثال کامرون و بلر و بوش نشسته اند، اما جوامع اروپایی در مقابل این هالوکاست که بیش از همه محصول سیاست های میلترایستی "جهان متمدن" است، ساکت نخواهد نشست!

"هیچ انسانی غیرقانونی نیست! فراریان از جنگ و تخریب و ناامنی، بیش از پناهنده و مهاجر و انسانهای برابر با شهروندان همه جوامع پیشرفته اند! مرزها را باز کنید! درهای خانه هایتان را بگشایید! ما شهروندان جامعه جهانی و برابریم! ما همه مسئول زندگی امن شهروندان جهانیم! مرگ بر نژادپرستی و حامیان آن!" کمترین عکس العمل مردم بشردوست است.

به این هالوکاستی که فراریان از جنگ و ناامنی و بمباران و کشتار در خاورمیانه و آفریقا را در دریاها و اقیانوس ها و در میان بار کامیون ها به کام مرگ میکشد، باید برای همیشه پایان داد!

موج چند ده میلیونی آوارگی و خانه خرابی و گرسنگی امروز مردم، نتیجه مستقیم سیاستها

و دولتهایی است که در سازمان ملل و ناتو، معماران جنگ و جنایات بی سابقه در عراق، لیبی، سوریه، افغانستان و آفریقا بوده اند. این هالوکاستی است که آنها به کمک متحدان محلی خود پیش برده اند و امروز برای این مردم شانه بالا می اندازند و از قبول کوچکترین مسئولیتی سرباز میزنند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست، همه فعالین و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، همه فراریان و فعالین سیاسی ایرانی که خود چندین نسل تجربه فرار از جنگ و سرکوب و توحش جمهوری اسلامی ایران را دارند، را فرامیخواند که در حمایت از همه کسانی که بدنبال نقطه ای امن ناچار به فرار میشوند، فعالانه اعتراض کنند و در تحرکاتی که در کشورهای مختلف به جریان افتاده است، شرکت کنند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست از اعضا و دوستان خود میخواهد که همه امکانات و ابتکارات خود، برای حمایت و به کرسی نشاندن خواست های پناهندگان و فراریان از جنگ و ناامنی، را به کار اندازند. باید قدرت های حاکم را مجبور کرد که مرزها را باز کنند و همه امکانات موجود برای تامین سرپناه و یک زندگی سالم و امن راه، همچون همه شهروندان جامعه، فراهم کنند.

تشکیلات خارج کشور حزب

حکمتیست - خط رسمی

۴ سپتامبر ۲۰۱۵

در پایان یک ضیافت ...

اما مطلوبیت مهمتر آن برای طبقه سرمایه دار در اینست که به اندازه کافی مذهبی هم هست، دولتی است که نیروی ذخیره کافی برای اعاده نظم در روز مبادا را با خود دارد. از همه چیز مهمتر، از زاویه طبقه کارگر، پوپولیسم به معنای وعده های دروغین و سر خرمن خطاب به کارگران و مردم محروم جایی در سیاستهای این دولت نداشت. سازماندهی تولید در ایران جز بر اساس کار ارزان کارگر ایرانی نمیتوانست صورت بگیرد، و این بنوبه خود جز با جذب سرمایه خارجی در بستر تضمین سودآوری آن ممکن نبود، چنین دولتی نمیتوانست تا مغز استخوان ضد کارگری نباشد. دولت یازدهم را باید جزو دست راستی ترین دولتهای معاصر جهان محسوب کرد. اینرا باید در ناگفته های گزارش عملکرد دولت تشخیص داد.

دولت یازدهم دو سوم جمعیت کارگر جامعه را زیر خط فقر نگه داشت. در این دولت ۱۹ میلیون کارگر را وادار ساختند در چهارچوب بردگی محض قراردادهای موقت تن به کار بدهند و وادارشان ساختند به دستمزد حقیرانه گردن بگذارند. در این دولت دو میلیون کودک را به کار و گدایی وا داشتند. در این دولت نه فقط استثمار بلکه حتی دزدیدن رسمی دستمزد کارگر قانونی بود. در این دولت صدها فعال کارگری رسماً و قانوناً دستگیر و زندانی شدند. در این دولت گرانی زندگی مردم فقیر و زحمتکش را به نابودی

کشاند، با دخالت مستقیم دولت سوخت، نان، لبنیات هر روز گرانتر شدند. سیاست اقتصادی دولت از آنجایی موفق است که شش میلیون نفر بیکار جامعه را بدون بیمه بیکاری به امان خدا سپرده اند. ثبات و آرامش مورد نظر دولت نه از طریق پوپولیسم و وعده سر خرمن، نه از طریق فریب، بلکه از طریق لجن پراکنی و تخطئه بر علیه حق کارگر و حق بدیهی انسانها برای زنده ماندن به کرسی نشسته است. در آن جامعه نپرداختن دستمزد کارگر "نج" ناچیز کسی را در نمیآورد، اما همزمان کوچکترین نشانه از وادار ساختن کارفرمایان برای پرداختن حق بیمه کارگر با اعلام عزای عمومی مواجه میگردد. در کمتر جای تاریخ مقدرات جامعه بدینگونه دیمی به منافع سرمایه گره خورده است. در کمتر جای تاریخ کثافات و زورگویی و زندان بدینگونه به اسم "ثبات و آرامش" ستوده شده است. دولت یازدهم پوپولیست نبود، چرا که وزارت اطلاعات و

گروه ضربت انرا بی نیاز ساخته بود. پوپولیست نبود چرا که نوکران اقتصاد دان و ژورنالیست در انجام "وظایف" خود سنگ تمام گذاشته بودند. اوج تدبیر و تعامل دولت مبیایست خود را در مذاکرات هسته ای نشان میداد. اما آتش بازی حول این پیروزی بسیار کوتاه مدت تر و کم رونق تر از انتظار از آب درآمد. دلیل آن بسادگی اینست که نقشه دولت و سرمایه برای کارگر در دوره پسا تحریمی چیزی جز تداوم شرایط گذشته نیست. برای کارگر توهم بهبود و افزایش دستمزد و هرگونه توقع بالاتر مطلقاً ممنوع است. کافی است مشاهده کرد در طرحهای بودجه دوران رشد اینها بودجه کمتری به بیمه بیکاری و بودجه هر چه بیشتری نصیب گردان ضد شورش میشود.

در پایان ضیافت ثبات و آرامش، لابد آن طرف شهر زندانبان اوین سری به تک تک بندها میزند، شاهرخ زمانی، رضا شهابی، مددی و ... میشمارد. بدون اوین این ضیافت ممکن نبود.

ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم رفاه و آزادی در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

"شورفاه، آزادی و امنیت مردم ایران" را بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist Manshour.html>

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

آزادی

(بخشی از منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران)

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist>

[Manshour.html](http://hekmatist.com/2015/Hekmatist)

– آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.

– آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.

– آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. هرنوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند.

– آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

– برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده.

– تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات اجتماعی – سیاسی و اقتصادی جامعه در سطوح مختلف.

– برابری کامل و بی قید و شرط کلیه شهروندان ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. کلیه ساکنین کشور، مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، یا اعتقادات مذهبی، اعضای متساوی الحقوق جامعه اند و در دسترسی به همه امکانات جامعه، برابرنند.

– ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استتکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.

– مصونیت زندگی خصوصی افراد- مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت.

– مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

قابل حصول است. برافراشتن چنین مطالباتی، گامی مهم در جهت متحد کردن و مستقل کردن خواست های واقعی کارگر، در مقابل جمهوری اسلامی است.

تفریح و آسایش و ... تمامی خواسته های انسانی که همین امروز بورژوازی در بدبخت ترین کشورها از آن برخوردار هستند، برای کارگر در ایران نیز همین امروز ممکن است.

تامین این خواست ها وظیفه گردانندگان و حاکمان و دولت هایشان، و در ایران، جمهوری اسلامی است. تک تک نکاتی که در "منشور آزادی و رفاه و امنیت" توسط حزب ما مطرح شده اند، همین امروز در ایران

امکان رقابت را برای سرمایه ایرانی در بازار بمراتب مشکل تر از بازار حصار کشیده شده داخلی می کند. این مشکل را سرمایه باز به حساب کارگر می اندازد که گویی ایراد در عدم توانایی کارگر ایرانی در تولید با کیفیت است، ایراد از ناکافی بودن توانایی تولید کارگر در این کشور است، و وقتی این را نمی تواند به کارگر تحمیل کند، ایراد را در افراد نالایق، در عدم توانایی و کیفیت مدیران، در ناتوانایی بخش دولتی یا ولع بخش خصوصی و یا هزار چیز دیگر، غیر از حکم های پایه ای سرمایه و گردش و بازار آن می اندازد. این پروسه تمامی ندارد. نه سرمایه و نه جمهوری اسلامی، نه دولت های متروپل و نه ماهرترین مدیران شان، قادر به پاسخگویی به این مسئله و ارائه راه حل نیستند.

به همین دلیل یافتن مقصر از میان این جماعت، و سعی در پاسخگویی به این مشکل ذاتی سرمایه جهانی، امروز بیهوده است. برای کارگر، تنها راه برون رفت از این شرایط، همانا براندازی کل نظام کارمندی است. در غلطیدن به هرگونه گزینه دیگری، دنبال نخود سیاه رفتن است. افتادن در دام رقابت بخشهای متفاوت بورژوازی در بهترین حالت کارگر را به مدیر بی جیره مواجه سرمایه تبدیل می کند. ترفندهای بورژوازی چیزی جز شیره مالیدن سر کارگر در این پروسه نیست. اینکه سرمایه قادر به رقابت است یا نیست، جنس وارد می کند یا صادر، اینکه با رقیب خود به موافقت می رسد یا نه، و غیره، همگی معضل خود سرمایه است. خواست کارگر و نقطه شروعش از جای دیگری است. تامین زندگی، امنیت،

به سرمایه گزاری وسیع و در واقع زودرس در ایران دست بزنند. آنها خود، بجز موارد بسیار معینی و محدودی، در حال حاضر تنها خواهان فروش و گسترش تجارت هستند. مسلماً هرگونه گشایش در دسترسی بورژوازی ایرانی و حکومتش به بازار جهانی، مترادف با بازشدن و امکان صدور کالا به بازار ایران نیز هست. به عبارت دیگر، آن میلیاردها دلار که آزاد شوند، قرار است که در دست ایران باشد، یعنی جمهوری اسلامی، خریدار است نه فروشنده! شرط و شروط های اعلام شده، نظیر سهمیه چهل درصدی ایران و غیره، تنها به مثابه امتیازهایی است که جمهوری اسلامی امیدوار است مورد قبول شرکت ها فروشنده قرار گیرد.

۳- انتظار این است که در قراردادهای، الویت به شرکت هایی داده شود که تاثیر قرارداد در ایران بیشتر معلوم شود. جدا از قراردادهای مربوط به نفت، معادن و صنایعی که سابقه طولانی تری در ارتباط با این شرکت ها داشته اند، نظیر خودرو سازی ها، در اولویت هستند. باز هم مسلماً در این پروسه قرار نیست که مثلاً خودرو ایرانی به رقابت با تویوتا ژاپنی یا رنو فرانسوی برود! این خواب و خیال ها را تنها در تبلیغات دست چندی لیبرال های تازه به دوران رسیده می توان دید. جمهوری اسلامی و نمایندگان رسمی بورژوازی ایران، بسیار بیشتر از اینها به موقعیت خود در بازار جهانی واقفند.

۴- بی شک کالاهایی که در دنیای امروز تولید می شوند، و شرایط تولیدی که برای عرضه به رقابت های بین المللی سازمان داده می شود، شرایطی را بوجود آورده اند که

بازار مکاره سرمایه ...
شرکت های زیادی، از گوشه و کنار دنیا به ولع پر کردن کیسه های خود، به دولت های خویش فشار می آورند تا روابط هر چه نزدیکتری را با جمهوری اسلامی برقرار کنند. جمهوری اسلامی نیز به سهم خود سعی می کند تا از میان رقبای موجود، بتواند بیشترین امتیازها را بگیرد. اما انجام چنین راهکردی، با درنظر داشتن انواع و اقسام منافع جناحی و دست اندرکاران گوناگون، به این سادگی ها نیست. بی جهت نیست که خامنه ای در راس همه و به مثابه نیروی اصلی ثبات دهنده به جمهوری اسلامی، چپ و راست به دولت و مسئولین هشدار می دهد که مذاکرات از مجرای معین و تعیین شده انجام گیرد، سهمیه ها معلوم باشد، طرف های قرارداد بیگدار به آب نزنند، و خلاصه بورژوازی و نمایندگان گوناگونش در جناح های موجود دولتی و خصوصی، از هول حلیم توی دیگ نیافتند. جنبه دیگر این داد و فغان های متعدد به مسئولین، در نظر داشتن بخش وسیعی از جامعه ایران است که در طی این مدت دعوت به صبر و انتظار شده است تا از قرار، با باز شدن بازار و رفع تحریم ها به اشتغال و بهبود معیشت دست یابد. این اکثریت در شرایط سخت زندگی امروز، دیگر مثل گذشته به حیف و میل های بی در و پیکر میلیاردها میلیارد توسط مسئولین و آشنایان حکومتی جمهوری اسلامی، نگاه نمی کند. این اکثریت به امید بهبود به تمکین به این شرایط فراخوانده شده است.

۲- در عین حال، شرکت های خارجی نیز، تصمیم ندارند که

www.hekmatist.com
سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com